

تحلیل

سرکشتگی غرب در قبال لیبی

■ پایگاه اینترنتی فرانکفورتر آلتگماینه در تحلیلی تحت عنوان «آیا غرب در لیبی مداخله نظامی کند بهتر است یا نه؟» پرداخته‌است. متن این گزارش را به نقل ایسنا بخوانید: «مخالفت با رژیم لیبی اکنون منجر به بروز جنگ داخلی در این کشور شده‌است. سوالی که اکنون مطرح است این است که آمریکا و اروپا چگونه می‌توانند به جبهه‌های مخالف در لیبی کمک کنند. با آنکه آمریکا به این نتیجه رسیده‌است که واشنگتن نمی‌تواند به گونه‌ای منفعلانه تنها نظاره‌گر رویدادهای لیبی باشد و اجازه قدرت‌نمایی بیش از پیش به این دیکتاتور را دهد، اما به نظر می‌رسد که رویکرد آمریکا در مواردی که با تردید در واکنش نسبت به وقایع یک کشور همراه است تنها در پنج کلمه خلاصه می‌شود و آن نیز این است که «همه گزینه‌ها پیش روی ماست». با این حال اخیرا اعتراض سیاستمداران مختلف آمریکا برای واداشتن دولت کشورشان برای اعمال فشار به قذافی افزایش پیدا کرده‌است، به گونه‌ای که جان مک کین، سناتور جمهوری خواه آمریکا و کهنه سرباز جنگ ویتنام، اخیرا اظهار داشت: «ما اجازه نداریم که بیش از پیش نظاره‌گر حملات هوایی لیبی علیه مردم باشیم.» جان کری، همتای دموکرات مک کین نیز که اکنون ریاست کمیته روابط خارجی سناتر ابر عهده دارد و یکی از اصلی‌ترین متحدان اواما محسوب می‌شود، با بیاناتی صریح‌تر خواستار واکنش به اقدامات قذافی شده‌است. باراک اوباما نیز طی روزهای گذشته بر فشارهای خود به دولت لیبی افزوده‌است. وی در حال حاضر به جای اعزام نیرو و اقدام به ارسال پول برای این کشور کرده‌است؛ به گونه‌ای که آمریکا در شرایط فعلی ۱۵ میلیون دلار آن هم با هدف کمک‌های حقوق بشری، در اختیار لیبی قرار داده‌است. البته طبق نظر سیاستمداران آمریکا، این کشور از این پس قرار نیست تنها نظاره‌گر کمک‌ها و اعزام امداد گر برای لیبی باشد و البته در صورت اتخاذ چنین تصمیمی نیز کاخ سفید در این زمینه تک‌روی نخواهد کرد. پیشتر کاخ سفید، بارها از معمر قذافی درخواست کرده



بود که کنار بی‌روود و احزاب و جنبش‌های مخالف در این کشور را به همکاری و مشارکت و همین‌طور تحمل دعوت کرده‌بود. طی هفته‌های گذشته مشاوران امنیت دولت آمریکا ضمن مطالعه روند تحولات و دموکراسی سال‌ها و دهه‌های گذشته در اندونزی، عربستان، فیلیپین، لهستان و شیلی به این نتیجه رسیده‌اند که آنها باید استراتژی خود در قبال جهان اعراب را تغییر دهند. «مجله آلمانی اشپیگل نیز در مطلبی تحت عنوان «قدرت‌های جهانی متناصل» آورده‌است: «به نظر می‌رسد که استفاده آمریکا از واژه‌ی «بازار نظامی» قبل از هر چیز اعمال فشار به نظرات عمومی و همه دولت‌هایی باشد که از اعمال تحریم و فشارهای بیشتر علیه قذافی حمایت نمی‌کنند. به ویژه متحدها روسی و چینی آمریکا و همین‌طور برخی از متحدها اروپایی این کشور در ناتو و اتحادیه اروپا. به همین دلیل آمریکا از یک سو بحث حمله نظامی به اهداف دولت لیبی را مطرح کرده‌است. گزینه‌های دیگر آمریکا در مورد لیبی، حمایت از مخالفان دولت از طریق مشاوران و متخصصان امور نظامی است. علاوه بر این، ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی با نظارت هواپیماهای جنگی این کشور روی خواهد داد.

خطرات و پیامدهای منفی ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع بر آمده از تصارب قبلی (در عراق و عربستان) است. به همین دلیل رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا تاکید کرد حمله به نیروی هوایی لیبی حمله نظامی بزرگ به یک کشور بزرگ است. این مساله کاملا محرز است که در واشنگتن، بروکسل و همین‌طور پاریس، برلین و لندن خطرات سیاسی زیادی در پی حمله نظامی به یک جهان عربی –اسلامی نهفته است و از این رو آمریکا هرگز به دنبال گزینه حمله نظامی بدون کمک و حمایت سازمان ملل نیست. البته حق و توی روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل نیز تهدیدی برای احتمال حمله نظامی محسوب می‌شود. این در حالی است که آمریکا در سال ۱۹۹۱ اقدام به ایجاد منطقه پرواز ممنوع علیه عراق نمود که این اقدام بدون کمک سازمان ملل و با هدف حمایت از کردها و شیعیان در برابر حملات صدام انجام شد. نیروهای امنیتی لیبی نیز اکنون به سلاح‌های غرب و شوروی سابق و به ویژه هواپیماهای جنگی و موشک‌های دفاعی و تانک مجهز هستند، گرچه این تسلیحات نظامی کهنه و از کار افتاده هستند، اما برای مقابله با جنگ‌های داخلی کافی است. البته هواپیماهای مدرن فرانسوی و موشک‌های Fla این کشور نیز تکمیل‌کننده این تسلیحات هستند. نیروی هوایی لیبی مجهز به حدود ۲۴۰ هواپیما شکاری، ۱۱۰ بمب، ۳۵ کوپتر که اکثرا مدل‌های شوروی سابق هستند و همین‌طور ۲۲۰ سیستم دفاع ضد موشکی است.»

گروه جهان:
سرهنگ قذافی همانطور که در جبهه‌ها جنگی تمام عیار را علیه مخالفان خود شروع کرده‌است در حوزه رسانه‌ای نیز به همین ترتیب علیه آنها می‌جنگد. جنگی رسانه‌ای که فراتر از افراد خاص و برنامه‌های ویژه و فقه و حتی مبارزه با کانال‌های ماهواره‌ای خارجی را نیز دربرمی‌گیرد. آنچه را می‌خوانید گزارش شبکه الجزیره از این جنگ است.

دو شرکت «لیبیانا» و «المدار» که در زمینه تلفن‌های همراه فعالیت می‌کنند از مشترکان خود خواسته‌اند کانال‌های ماهواره‌ای ویژه‌ای را از دستگاه‌های تلفن خود پاک کنند. دعوی آنها این است که این کانال‌ها امنیت لیبی را هدف قرار داده‌اند.

این دو شرکت با ارسال پیام کتاهی به تعداد زیادی از مشترکان خود در داخل کشور گفته‌اند کانال‌های یاد شده عیار تنداز: الجزیره، الحیره، العربیه، بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان: شرکت‌های یادشده به مشترکین خود گفته‌اند در صورتی که این پیامک را به ۱۰ نفر بفزستند یک امتیاز مجانی به قیمت ۵۰ دینار لیبی (۴۰ دلار آمریکا) دریافت خواهند داشت.

لازم به ذکر است که شرکت‌های المدار و لیبیانا تنها شرکت‌هایی در لیبی هستند که خدمات تلفن همراه به شهروندان این کشور ارایه می‌دهند. مدیریت این دو شرکت تحت نظارت «محمد معمر القذافی» فرزند بزرگ‌تر سرهنگ قذافی است. وی به‌طور کامل اداره بخش ارتباطات در لیبی را تحت کنترل خود دارد.

در یک تحول دیگر کمیته عمومی خلق لیبی «دولت» از طریق ارسال یک پیامک که به مشترکان این دوشبکه فرستاده‌بود اعلام کرد ۵۰۰ دینار (۴۰۰ دلار) به سرپرست هر خانوار خواهد داد و اعطای این کمک طی چند روز آینده از صبح تا ساعت هشت شب ادامه خواهد یافت. دولت لیبی از شهروندان خود در این پیامک خواسته بود در برابر بانک‌ها تجمع نکنند تا پرداخت این پول به راحتی امکان‌پذیر باشد.

دولت لیبی طی چند روز گذشته و در پی شروع قیام مردمی در این کشور یعنی ۱۷ فوریه که منجر به درگیری‌های بعدی شد و تاکنون تعداد زیادی کشته و زخمی بر جای گذاشته‌است اعلام کرد به هر خانواده‌ای ماهانه ۵۰۰ دینار داده خواهد شد که این اضافه بر حقوق رایج آنان است. بسیاری از ناظران این اقدام را نوعی رشوه دادن به مردم معترض و خریدن انتقادات آنان توصیف می‌کنند. امری که تاکنون در کشور لیبی سابقه نداشته‌است و حتی زمانی که کارگران به پایین بودن سطح حقوق خود اعتراض داشتند هیچ توجهی به این گونه خواسته‌ها نمی‌شد.

گفته می‌شود با تحولات اخیر در کشورهای عربی به‌خصوص خاورمیانه دوره گذار در منطقه آغاز شده، اما حال این سوال پیش می‌آید که چرا دوره گذار در این کشورها با این مقدار تأخیر آغاز شده‌است؟ به دلیل اینکه تا قبل از تحولات تونس هیچ باوری در سطح منطقه وجود نداشت، باوری که در پی آن، این مساله به آنها القا شده بود که امکان تغییر وجود ندارد اما با تحولاتی که در تونس اتفاق افتاد و بسیار سریع به نتیجه رسید باعث شکسته شدن این باور شد و مردمی که به تغییرات امیدوار بودند و هستند به اعتراضات دست زده و خواهند زد. البته این مساله دلایل متعددی دارد: رژیم‌های کشورهای که با سرنگونی حاکمان‌شان روبه‌رو شده‌اند پس از آنکه ۳۰ تا ۴۰ سال در اس حکومت بودند دچار یک نوع پیری شدند و مجموعه‌ای از: بحران‌ها این حکومت‌ها را دچار بحران ناکارآمدی کرده‌است. این بحران‌ها عبارتند از: بحران مشارکت، عدم مشروعیت سیاسی، عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، شکاف‌های متعدد فرهنگی-سیاسی، مذهبی، قومی و…، تمامی این دلایل موتور تغییر را با آن باوری که مردم پیدا کرده‌اند روشن کرده‌است. در رژیم‌هایی که قدرت جابه‌جانی نمی‌شود و در میان چند نفر به‌طور انحصاری در حال چرخش است و جابه‌جایی قدرت وجود نداشته، همچنین مشارکت مردمی نیز در آن وجود ندارد و مردم احساس می‌کنند، امیدی برای رسیدن به هدف‌های خود در این نظام‌های مستبدانه ندارند در نهایت منجر به حرکت مردم و درخواست تغییر در نظام‌های سیاسی می‌شود. این در حالی است که روند تغییر به سرعت در منطقه در حال رشد است. این موج تغییر فقط کشورهای عربی را در بر گرفته‌است. این تغییر و تحولاتی که در حال حاضر کشورهای عربی را در بر گرفته‌است به دلیل تأثیرپذیری متقابلی که از یکدیگر دارند به‌طور متقابل نیز از هم تأثیر می‌پذیرند. اکنون منطقه را رژیم‌هایی در بر گرفته‌است که دچار بحران‌های مترکام هستند. می‌تصور می‌کنم این بحران بر کشورهای دیگر تأثیر نمی‌گذارد. دربرگرفته‌است، این تغییر و تحولاتی که در این مهم‌ترین علل انحصار تغییرات در یک مجموعه بوده‌است. این موج دموکراسی خواهی که در حال حاضر شروع شده و به صورت زنجیروار عمل می‌کند چهارمین موج دموکراسی خواهی در جهان است. اولین موج مردم‌کراسی با انقلاب کبیر فرانسه در اروپا شروع شد و باعث گسترش آن در دنیا شد و موج دوم بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. در دهه ۱۹۸۰ نیز شاهد یک نوع گسترش دموکراسی خواهی بودیم که از کشور پرتغال شروع شد و به امریکای لاتین رسید ولی کشورهای دیگر را در برنگرفت. حال باید به این نکته اشاره کرد این تحولاتی که اخیرا به صورت زنجیروار در منطقه رخ می‌دهد، چه بسستی برای آن‌ها مهیا شده است که تاکنون وجود نداشته و ما شاهد تحولات اینچنینی نبوده‌ایم. ما در حال حاضر در یک دوره زمانی متفاوت هستیم؛ جریان اطلاع‌رسانی به شکل دیگری جلوه کرده و با حرکتی که در تونس شروع شد نشان داد امکان تغییر وجود دارد و آن باور کهنه در نهایت رنگ باخت. اما چرا رژیم‌ها و دولت‌ها در کشورهای عربی عمر

حربه‌های رسانه‌ای سرهنگ

این افراد تظاهرات شکل گرفته در شهرهای لیبی را یک «طوفان بزرگ» توصیف می‌کنند که کشور را درنور دیده و سازمان القاعده در مغرب عربی بر روی این پروژه سرمایه‌گذاری کرده‌است.

اما کانال تلویزیونی وابسته به سیفا الاسلام قذافی که در سال ۲۰۰۹ فعالیتش متوقف شده بود دوباره با شروع تحولات اخیر در این کشور فعالیت خود را از سر گرفت و تحت عنوان «کانال دوم جماهیری» اقدام به پخش برنامه‌های جدید کرد. این کانال بیشتر به نشان دادن تظاهراتی می‌پردازد که در تأیید معمر قذافی است. همچنین یک برنامه یک ساعته دارد که آن را هاله مصراتی یکی از چهره‌های رسانه‌ای این کشور ارایه می‌دهد. این برنامه که «لیبی در امروز» نام دارد به صورت آشکار و علنی مخالفان لیبی را در داخل و خارج مورد شمات قرار می‌دهد. گفته می‌شود مصراتی با برخی از افسران اطلاعاتی لیبی از جمله عبدالله السنوسی ارتباط دارد.

مصراتی در برنامه‌های خود بر این نکته تأکید می‌ورزد که «همه مخالفان رسوا شدند» و مخالفان دولت سرهنگ معمر قذافی را یک مشت «دیوانه به‌خانه‌های خود بازگردند.

خاور میانه؛ تغییرات اساسی سریع

یادداشت: **حسین رویبوران**



درمی‌که همچنان دنبال می‌شود غرب غافلگیر شده است و سعی‌اش بر این است که شرایط تغییرات و تحولات اجتماعی را در چارچوب رف‌رم نگه دارد تا اینکه تبدیل به یک انقلاب نشود به همین دلیل ما می‌بینیم ارتش در تونس و مصر جایگاه پیدا می‌کند. ارتش در نظام‌هایی که سرنگون شده‌اند بخشی از نظام گذشته است اما اکنون واسطه‌ای برای اجرای اصلاحات است. غربی‌ها سعی می‌کنند زبان‌ها و ریزش‌ها را به حداقل برسانند و یک رف‌رم مردم را قانع کنند و نگذارند شرایط با یک انقلاب و تغییرات بنیادین در نظام سیاسی حرکت کند. باید به این نکته هم اشاره کرد که چه دلیلی وجود دارد که جامعه جهانی تغییرات گسترده در برخی کشورهای عربی و خاورمیانه را می‌پذیرد و از آنجایی که در دهه‌های اخیر مفهوم استقلال و تصمیم‌گیری ملی در دولت‌های عربی به‌طور ملی جایی نداشته است این بار غربی‌ها خود را کنار کشیده و حرکت اصلی این حرکت عظیم بر دوش توده‌های عظیم مردمی است. در عین حال جامعه جهانی راهی جز پذیرش این مساله نداشت به دلیل اینکه با حرکت مردم هیچ کسی جلودار این مردم نبود و حرکت توده‌دار بود. همچنین باور اجتماعی بالا بود و به همین دلیل نمی‌توانستند در برابر توده عظیم مردمی کاری انجام دهند چرا که مردم در خط‌مقدم این اعتراضات حرکت می‌کردند.

به همین دلیل کشورهای غربی تصمیم گرفتند به سرعت سوار این موج شوند اما مشاهده می‌کنیم پیش از سقوط حاکمان این رژیم‌ها غربی‌ها روی این نظام‌ها فشار می‌آوردند که سرکوب شدید نکنند، چرا که معتقد بودند سرکوب شدید تضاده‌ها را تکمیل و شرایط انقلاب را فراهم می‌کند به همین دلیل غربی‌ها فرصتی را به وجود آوردند که در تونس پس از ۲۳ روز بن علی فرار کند یا در مصر پس از ۱۸ روز مبارک رییس جمهوری این کشور استعفا دهد. در نتیجه نوع مدیریت بحرانی است

جهان

حربه‌های رسانه‌ای سرهنگ



یهودی «تشکیل می‌دهند. وی به آنها نسبت به ادامه تظاهرات و اعتصاب‌ها هشدار داده و می‌گوید در این صورت از پول نفت و گاز کشور و حقوق عادی نیز محروم خواهند شد.

وی همچنین وزرای دادگستری و امنیت عمومی را که استعفا داده و به انقلابیون پیوسته‌اند مورد شمات قرار می‌دهد و این انقلاب را یک «طوفان بزرگ» توصیف می‌کند که ثبات لیبی را از سوی بیگانگان هدف قرار داده‌است. کانال‌های تلویزیونی لیبی به صورت ۲۴ساعته تظاهرات موافقان را به نمایش می‌گذارند که بیشتر در میدان الخضراء یا برخی مناطق دیگر طرابلس اتفاق افتاده‌است و به نحو آشکاری حکایت از تعداد کم شرکت کنندگان دارد. کانال‌های تلویزیونی لیبی همه زیر نظر هیاتی به نام «هیات عمومی رادیوهای جماهیری» فعالیت می‌کنند و سرهنگ علی کلبانی قذافی که یکی از شخصیت‌های نزدیک به سرهنگ قذافی و یکی از افسران برجسته اردوگاه «باب‌العزیه» است –مقر اصلی قذافی –آن را اداره می‌کند.

منبع:الجزیره

که غرب انجام و حضور گسترده مردم را نشان می‌دهد و از آنجایی که رژیم‌ها تاب مقاومت در مقابل حرکت مردم را ندارند بنابراین غربی‌ها راهی جز پذیرش واقعیت‌ها نداشتند.

حال این سوال پیش می‌آید این تغییر کوتاه‌مدت در نتیجه چیست؟در پاسخ به این سوال باید به وابستگی رژیم‌ها اشاره‌ای کرد، در منطقه خاورمیانه یکی از بدترین شکل‌های وابستگی وجود داشته و این رژیم‌های عربی به دلیل اینکه مشروعیت داخلی نداشتند به دنبال مشروعیت بین‌المللی از طریق وابستگی و ایفای نقش در چارچوب ابر قدرت‌ها بوده‌اند، در چنین چارچوبی قطعا انقلاب‌ها ریزش ایجاد خواهند کرد و نقش وابسته به آمریکار انخواهند‌پذیرفت.

و آیا در تعاملات جهانی این کشورها در آینده با غرب رابطه خوبی خواهند داشت یا خیر؟ قطعا مانند گذشته نخواهد بود اما ممکن است روابط دولت‌های جدیدی که مشروعیت بسیار بالایی دارند، با غرب الزام خصمانه نباشد. تا کنون این موج تغییر کشورهای اقتدارگرا را در بر گرفته‌است و کشورهای سنتی تا کنون از این نوع تغییرات به دور بوده‌اند مانند عربستان سعودی. گرچه عربستان سعودی از یک طرف از بحرین، اردن و یمن در محاصره اینگونه ریزش‌ها است اما تاکنون شاصمی دال بر اینکه یک قیام در عربستان سعودی وجود دارد دیده نشده و یکی از محیط‌هایی که به عنوان محیط سنجنش این نوع حرکت‌ها و هماهنگی این حرکت‌ها بررسی می‌شود، سایت‌ها و رسانه‌های ارتباطات اجتماعی و شبکه اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر است که این مساله در عربستان سعودی دارای شد و ضعف است. اخیرا سایتی را سعودی‌ها ایجاد کرده‌اند و در آن درخواست تغییر –به نیروهای جوان برای انجام این مساله فراخوان داده‌اند. این نشان‌دهنده این است که عربستان نمی‌تواند به دور از محیط و تأثیرات آن قرار بگیرد اما آیا این امر منجر به این مساله می‌شود که معتران نیز در عربستان به تغییرات مورد نظر خود خواهند رسید یا خیر بازمی‌گردد به برآده جوانان این کشور که در آینده خود را نشان خواهند داد. تصور می‌کنم شاید عربستان سعودی اولین کاندیدی چنین شرایطی باشد. در آخر باید به این نکته اشاره کنم که خاورمیانه امروز و فردا غیر از خاورمیانه دیروز است؛ به دلیل تحولات اخیر ی که در برخی از کشورها به شکل تغییرات اجتماعی در آنها صورت گرفته‌است و می‌گیرد. اما کشورهایی که رژیم‌های سیاسی آنها نمی‌توانند این شرایط را نادیده بگیرند ناچار هستند اصلاحاتی را انجام دهند تا رضایت معترضان را کسب کنند. در

همین حال در سودان عمر البشیر، رییس‌جمهور این کشور اعلام کرد دیگر برای دور بعدی کاندیدا نخواهد شد. در یمن نیز علی عبدالله صالح، رییس‌جمهور این کشور چنین سخنی را بر زبان راند. در حال حاضر در بسیاری از کشورها نیز مشاهده می‌کنیم رفتار دولت‌ها تغییر کرده‌است و همه این موارد می‌تواند شاخص و میزان‌های بعدی قرار بگیرد و دربارہ اینکه خاورمیانه فردا باخاورمیانه دیروز تغییر خواهد داشت.

«معاون سیاسی جمعیت دفاع از فلسطین

گزارش

روابط مصر پس از مبارک با آمریکا

■ به نظر می‌رسد مصر جدید در مقایسه با گذشته مستقل‌تر است و همین امر روابط و منافع در از مدت واشنگتن – قاهره را زیر سوال برده‌است. مصری که شاید دیگر رنگ و بویی از مصر مبارک نداشته باشد.

به گزارش ایسا، روزنامه کریستین ساینس مانیپور در گزارشی در بررسی روابط مصر با آمریکا پس از مبارک آورده‌است: «مردم مصر رژیمی را در این کشور سرنگون کردند که نقطه عطفی در سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شد و این نگرانی در میان مقام‌های آمریکا ایجاد شده که واشنگتن نفوذش در مصر را از دست بدهد. ادامه اعتراض‌ها در میدان التحریر (تقریبا شش هفته پس از انقلاب در مصر) نشان می‌دهد که فشار و نفوذ مردم احتمالا در شکل‌گیری مصر پس از حسنی مبارک نقش کلیدی خواهد داشت.

با این حال برخی کارشناسان معتقدند روابط مصر و آمریکا همچنان ادامه خواهد داشت و به‌طور کلی قطع نمی‌شود.

شادی حمید، مدیر مرکز تحقیقاتی بروکینگز در دوحه قطر گفت: ماهیت روابط میان آمریکا – مصر تغییری می‌کند اما ما در مورد تغییرات بنیادین در روابط دو جانبه سخن نمی‌گوییم. تمرکز بر بازسازی مصر است و کمک‌ها و حمایت‌های آمریکا از مصر مهم و ضروری به شمار می‌رود اما این حمایت‌ها شکل سابق را نخواهد داشت.

این در حالی است که برخی دیگر از تحلیلگران بر این باورند که به دلیل مردمی بودن این انقلاب در مصر تغییرات بنیادین در روابط



دو کشور در آینده ایجاد می‌شود و آمریکا دیگر نمی‌تواند روی مصر حساب باز کند.

از جمله دیگر تغییرات بنیادین در سیاست‌های دولت بعدی مصر، اعمال فشارها در راستای اتخاذ مواضع سخت‌تر علیه اسرائیل است. حمایت‌های حسنی مبارک از اسرائیل خشم بسیاری از مصری‌ها را موجب شده بود. مردم مصر به شدت از حمایت‌های حسنی مبارک در کمک به مقام‌های تل آویو در محاصره غزه ناراحت بودند و به دنبال فرصتی برای اعلام انذار خود از این اقدامات حسنی مبارک بودند. توافقنامه صادرات گاز از مصر به اسرائیل که به گفته برخی مصری‌ها با قیمت بسیار اندکی صادر می‌شود نیز در خطر قرار دارد. معترضان مصری در تظاهرات‌هایشان حسنی مبارک را با مقام‌های اسرائیلی مقایسه می‌کردند.

نگلاسعید، یکی از معترضان مصری گفت: حسنی مبارک با ایجاد رابطه دولتی با اسرائیل رضایت آمریکایی‌ها را برآورده کرده‌بود و این موضوع برای حسنی مبارک از اهمیت بیشتری تا نظر مردم مصر برخوردار بود. ما نمی‌خواهیم از آمریکا دستور بگیریم، ما یک کشور مستقل می‌خواهیم.

مصطفی کمال السید، استاد علوم سیاسی در دانشگاه آمریکایی قاهره تصریح کرد: دولت جدید مصر به شدت تحت خواسته‌های مردم ایجاد می‌شود و سیاست‌هایش نیز در راستای تحقق درخواست‌های مردم اتخاذ خواهد شد. در این راستار روابط مصر – امریکا مانند سابق نخواهد بود و به یک رابطه عادی همچون کشورهای دیگر تبدیل می‌شود.

وی معتقد است که مصر احتمالا در مسیر ترکیه حرکت می‌کند یدان معنا که سیاست‌های مستقل اتخاذ می‌کند و از آمریکا فاصله خواهد گرفت.

شورای نظامی مصر به این موضوع اشاره کرده‌است که مصر به تعهدات پیشین خود و جمله معاهده کمپ دبوید در سال ۱۹۷۹ متعهد است.

با این حال اکثر کارشناسان بر این موضوع اذعان کرده‌اند که دولت آینده منتخب مصر در راستای منافع اسرائیل گام برنخواهد داشت. به همین دلیل به نظر می‌رسد که معاهده کمپ دبوید نیز در خطر قرار می‌گیرد.

برخی مقام‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که روابط آمریکا – مصر بر اساس منافع مشترک درازمدت است. آنها معتقدند که دو کشور در امور ضرورت‌ریستی، اقدامات مشترک نظامی و پروژه‌های اقتصادی از منافع مشترک

برخوردارند.

موضوع دیگری که باعث نگرانی آمریکا شده‌است، استقلال سیاست‌های مصر و یهود

روابطش با ایران و سوریه است.»